

هدف پاکستان از تشديد حملات بر افغانستان چیست؟

ماه اپریل 2017، خونین ترین ماه برای اردو و مردم افغانستان بود. در این ماه دو حمله تروریستی سازمان یافته از سوی استخبارات نظامی پاکستان بر دو محل بشدت نگهداری شده نیروهای امنیتی افغان، صورت گرفت که تلفات جانی فراوانی را به همراه داشت. بررسی های ابتدائی کارمندان امور امنیتی افغانستان نشان داد که نقشه های حملات بر شفاخانه چهارصد بستر و قول اردوی شاهین بلخ، توسط استخبارات نظامی پاکستان (ISI) در کویته پاکستان طراحی شده بودند.

زلمی خلیلزاد (سابق سفیر آمریکا در افغانستان و عراق) پس از حمله تروریستی گروه داعش بر شفاخانه 400 بستر شهید داودخان، در مصاحبه تلویزیونی در واشنگتن گفت: «مادر تمامی مشکلات افغانستان موضوع لانه های تروریسم است که در پاکستان موقیعت دارد». (فیسبوک/آریانا نیوز)

او تصریح کرد که دولت پاکستان باید تحت فشار شدید قرار گیرد تا دست از حمایت گروه های تروریستی و مخالفان مسلح دولت افغانستان بردارد. وی تاکید کرد که آمریکا نمی تواند افغانستان را به حال خودش رها کند زیرا داعش پس از شکست در عراق و سوریه حالا برای استقرار در افغانستان تلاش می کند. خلیلزاد اظهار داشت که ژنرال «مک مستر» مشاور امنیت ملی آمریکا در دیدار از افغانستان، پاکستان و هند نباید وجود پناهگاه های امن تروریست ها در پاکستان را به عنوان امری طبیعی قبول کند و این موضوع را با صراحت به دولت اسلام آباد برساند. تروریست ها داعشی آی. اس. آی در شفاخانه چهارصد بستر مدت 6-7 ساعت مشغول آدم کشی و ترور مریضان و دکتران و وابستگان مریضان و عمله و کارکنان طبی بودند. گفته میشود در این حمله بیش از 200 تن مریض و مریضدار و نرس و طبیب را به مسلسل بستند و دهلیزها و اتاق های مریضان و تشناب های شفاخانه را با خون مریضان و مریضداران و پرسونل شفاخانه شستند و بعد خود تروریست ها نابود شدند. بدینسان مأمون ترین محل مریضان اردوی افغانستان به محل نا امن و نا مطمئن تبدیل گردید.

هنوز تحقیقات در مورد پیدا کردن سرخ این فاجعه اكمال نیافته بود که دومین حمله مرگبار از سوی گروه دهشت افکن طالبان بر قول اردوی 209 شاهین بلخ انجام گرفت. روز جمعه، اول ماه ثور (21 ماه می) حوالی ساعت یک بعد از ظهر، گروهی از طالبان سوار بر دو موتریپک مسلح با ماشیندار بر قول اردوی 209 شاهین بلخ، حمله کردند و در داخل مسجد و داخل سالون طعام خوری بیش از 150 سرباز را کشتند و 70 سرباز دیگر را مجروح کردند.

رئیس جمهور اشرف غنی شخصا از مجروحین این حادثه در مزار شریف عیادت نمود و روز یکشنبه را روز عزای عمومی اعلام کرد. حمله به قول اردوی 209 در بلخ یکی از مرگبارترین جنایات تروریستی بود که بر نیروهای اردوی ملی افغانستان وارد شد.

این حمله تروریستی که موج گسترده ای از انتقادات را علیه مقام های امنیتی کشور به دنبال داشت، و سبب استعفای وزیر دفاع ملی ولوی درستی شد، نیز از سوی سازمان استخبارات نظامی پاکستان طرح و بر اردوی افغانستان عملی گردید. هدف اصلی این حملات زیر فشار قرارداد دولت افغانستان برای مذاکره با پاکستان در مورد خط دیورند و آب های رودخانه های کنر و کابل و دادن امتیازت به پاکستان است.

به نظر من هدف پاکستان از تشديد حملات راکتی و حملات جنایت بار انتحاری در افغانستان شروط زیر است:

1- برسمیت شناختن «خط دیورند» ،

دپاڼو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرم آنلاين تاسو په درنښت همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de يادښت: دلېکنې د ليکنيزې بڼې پلزوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولۍ

2- حذف نقش هند از افغانستان،

3- تسلط بر رودخانه های کنر و کابل و بالاخره،

4- داشتن نقش کلیدی در مسایل سیاسی- اقتصادی افغانستان .

سیاست کنونی پاکستان در قبال افغانستان، در واقع همان سیاست تهدید و پیشروی انگلیسها در قرن 19 است که بر زعمای افغانستان تحمیل میگردد تا بالاخره توانستند بخشی از قلمرو افغانستان را توسط معاهدات گندمک و دیورند از پیکر کشور جدا و به هند برتانوی یکجا نمایند.

یکی دو مثال تاریخی از این فشارها و توطئه ها را نقل میکنم: امیر عبدالرحمن خان در تاج التواریخ میگوید: در سال 1890 من در بلخ و مصروف ساختن قلعه نظامی ده دادی بودم که اطلاع یافتم، ویسرای هند لارڈ لانسدون مصروف جابجانی عساکر هند در مناطق سرحدی می باشد و میخواهد راه آهن هندوستان را به قندهار وصل نماید. حتی بعضی ها میگفتند که وی در نظر دارد قندهار و کابل را دوباره اشغال نماید. این اخبار سبب تشویش من گردید و من پس از تنظیم امور ترکستان در تابستان 1890 به کابل مراجعت کردم. و سردار نورمحمد خان نایب الحکومه قندهار را که مانع کشیدن خط آهن در داخل مملکت من نشده بود و در باره آن اطلاعی هم بمن نداده بود معزول نموده به کابل احضار کردم. امیر می افزاید که حکومت هند علاوه بر فراهم کردن نگرانی برای من، توپها و اسلحه ای که از هند خریداری نموده بودم نیز مانع ورود آن به افغانستان شدند. حکومت هندوستان در موقع بسیار نازکی، یعنی هنگامی که هزاره جات به شورش برخاسته بود و این شورش هر روز دامنه دارتر میگردد و خوف شورش عمومی در مملکت باعث پریشانی من شده بود، در چنین موقعی کمکی که از هندوستان بمن رسید، اولتیماتومی بود به این مضمون که: «دولت هندوستان نمیتواند به جهت وعده های مبهم و نامعلوم شما برای دعوت نمودن سفارت انگلیس به کابل، انتظار بکشد، لهذا لارڈ رابرتس سپهسالار هندوستان با لشکرزیدی [ده هزار نفری] جهت محافظت اوبه کابل فرستاده میشود.» (تاج التواریخ، ج 2، ص 401)

امیر می افزاید: « پذیرفتن ده هزار نفر سربازی که باید آنها را مثل مهمان خود پذیرانی نمایم، کار خیلی صعبی بود، چون می بایستی صد هزار نفر سرباز را جهت پذیرانی آنها حاضر نمایم. لهذا چون دیدم که دولت هندوستان در صد فراهم آوردن اشکالات می باشد، بدون آنکه احدی از مامورین دولت من غیر از منشی های مخصوص از اراده من مطلع شوند، مراسله ای به عنوان لارڈ سالزبری، صدراعظم دولت بریتانیای عظمی نوشته به توسط یک نفر دوست خود به انگلستان فرستادم.» (تاج التواریخ، ج 2، همان صفحه)

غبار نیز به همین ارتباط میگوید که، انگلیسها برای تضعیف مردم و دولت افغانستان از هیچ دسیسه و توطئه نی دریغ نمی ورزیدند تا مقاومت در برابر انگلیس ها معدوم گردد، به همین سبب بود که حکومت هند برتانوی از یک طرف پشاور و واکارستان و تیرا را آشیانه فساد برای تولید اغتشاش برای افغانستان ساخته بود و گماشته گان خود (سردار نورمحمدخان پسر سردار ولی محمدخان لاتی، سردار پیرمحمدخان برادر زاده لاتی، سردار بازمحمدخان نواسه سردار محمد شریف خان، سردار محمدحسن خان نواسه وزیر فتح خان، و سعدوی کروخیل و غیره) را با پول و اسلحه و اشتهارات وقتاً فوقتاً در داخل حدود شرقی افغانستان میفرستاد تا با تحریک و تولید شورش دولت مرکزی را مشغول و ضعیف نگهدارند. چنانکه سردار نورمحمدخان سالها شورش شینواریها را به مقابل امیر رهبری میکرد. از طرف دیگر انگلیسها فیوالهای گریزنده از مرکز را در داخل افغانستان تحریک به اغتشاش میکردند. بالاخره انگلیسها سردار محمدایوب خان را از حکومت ایران محبوس خواستند و در لاهور مقیم ساختند و امیر عبدالرحمن خان را تحت تهدید همیشه گی قرار دادند. (افغانستان در مسیر تاریخ، ج 1، ص 682)

با وارد کردن چنین فشارها و تهدیدهایی بود که انگلیس مقاصد خود را بر امیر عبدالرحمن خان تحمیل کرد. آیا زعمای موجود افغانستان، با وجود حضور ابرقدرت امریکا، هم پیمان استراتژی یک خود، توانایی مقاومت بیشتر را در برابر فشارهای تجاوزگرانه پاکستان خواهد داشت؟ این کشور هم اکنون در یک جنگ اعلام نشده، از چندین ماه به اینسو ولایات شرقی کشور را به راکت و آتش توپخانه ثقیل خود بسته است و هم با اعزام تروریستان طالبی و داعشی

هر روز از مردم واردوی افغانستان قربانی میگیرد، وبدون شبهه دربحرانی ساختن وضعیت سیاسی وامنیتی واقتصادی کشور از طریق مسدودکردن دروازه های تورخم وسپین بولدک وهم بوسیله نوکران حلقه بگوش خود در سطوح مختلف دولت نقش بسیار مخربی را بازی میکند.



تصاویر راکت پرانی نظامیان پاکستان در ولایت کنر افغانستان

درچهل سال اخیر پاکستان ضربات مرگبار وخسارات جانی ومالی وعمرانی وفرهنگی جبران ناپذیر بر افغانستان وارد نموده است. پروژه جهاد افغانها درمقابل شورویها بیشتر به نفع پاکستان وتخریب کامل افغانستان تمام گردید. پروژه طالبان نیز از برنامه های تخریبی پاکستان برضد استقرار صلح وثبات وسوق دادن فرزندان افغانستان بسوی افراطیت وجنگ افغان علیه افغان میباشد.

پس از سقوط طالبان بوسیله (ب 52) امریکا رویکار آمدن مجدد مجاهدین اتحادشمال، پاکستان تا مدتی طالبان را درپهلوی محافظت از رهبر القاعده در لانه های امن خود نگهداشت و همینکه امریکا دهن جوال دالرا موقتاً بروی پاکستان بست، آنها را علیه نیروهای ناتو وامریکا وافغان بکار انداخت. تا آنکه این دو رونی پاکستان با شکار بن لادن در ابیت اباد نزدیک اسلام اباد افشاء شد. پس از آن (2011) حملات راکتی پاکستان برخاک افغانستان همراه با اعمار پوسته های سرحدی آغاز شد تا افغانستان را برای تشخیص وثبیت خط دیورند فرا خوانده باشد. اما دولت کرزی ناتوان تر از آن بود که به مصاف پاکستان اتومی برخیزد. در دوران حکومت (وحدت ملی) اشرف غنی، با آنکه به نفس خویش تا قرارگاه راحیل شریف (لوی درستیز پاکستان) در اسلام آباد رفت، ولی حملات پاکستان برخاک افغانستان همچنان ادامه یافت و توقف نکرد. این حملات و تجاوزات درسال 2017 بر ولایات شرقی کشور شدت یافته وسبب نگرانی جدی مردم ما وساکنین ولایات شرقی هم سرحد با پاکستان شده است.

درچنین وضعیتی که جسم وطن از ضربات وارده دشمن زخمی است و به مرهم ضرورت دارد، لطیف پدram عضوصلسی جرگه افغانستان با استفاده از موقف پارلمانی خود مجلسی تدویر داد واعلام نمود که حزب او موسوم به «کنگره ملی؟» موضوع خط دیورند را برسمیت می شناسد. این سخنرانی لطیف پدram مثل نمک بر زخم ملت اثر کرد و احساسات مردم افغانستان واز جمله پشتونها را بشدت جریحه دار وعلیه خود برانگیخت.

پدram با استفاده از جنگ خاتمانسوز تحمیلی و حملات سازمان یافته شبکه های تروریستی طالبان و داعش بر نقاط مختلف کشور، میخواهد دل پاکستان و دیگر دشمنان افغانستان را خوشحال کند و زمینه را برای یک جنگ داخلی در همدستی با احمدضیا مسعود و عبدالرشید دوستم مساعد سازد.

خوشبختانه هنوز عناصر ملی در وطن وجود دارند چنانکه درولسی جرگه اشخاص زیادی سخنان پدram را خلاف روحیات ملی و نورم های حاکمیت ملی وتعامیت ارضی کشور ارزیابی کردند ویکی از وکلا با صراحت ابراز کرد که وی را بجرم این موقفش سنگسارخواهد نمود. این موضع گیرها چنان ترسی در دل لطیف پدram انداخت که توسط رسانه های وابسته آوازه انداخت که استخبارات هند در همکاری امنیت ملی در صدد ترور وی اند؟؟؟ حرفی که فقط مصرف داخلی داشت.

د پانو شمیره: له 3 تر 5

افغان جرمن آنلاین به دربنت تلسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادښت: دلپکني د ليکنيزې بڼې پاڼوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليولو مخکې په خير و لولئ

لطیف پدرام هنوز برای دفاع از موضعگیری خود با این یا آن تلویزیون مصروف تبلیغات بود که حامیان خارجی اش حمله دیگری برقول اردوی 209 شاهین در بلخ اجرا کردند تا هم موضعگیری پدرام را در قبال خط دیورند تقویت کرده باشند و هم توجه رسانه ها و مردم را بجای انزجار از لطیف پدرام، بسوی یک فاجعه تروریستی تازه برگردانند.

چگونه باید به پاکستان در مورد خط دیورند پاسخ داد؟

روز پنجشنبه 24 جون 2016، در عصر زعامت همین رئیس جمهور برحال ما اشرف غنی «جرگه صلح» در کابل، جلسه ای تدویر کرد که آقای داودزی [شخص مورد اعتماد آقای کرزی و مورد اعتماد آقای اشرف غنی] در آن سخنرانی نمود و براین اصل تاکید کرد که چگونه باید در مورد خط دیورند به پاکستان پاسخ داده شود؟ داودزی توضیح داد که: «پاکستان از افغانستان دو خواست دارد:

۱- محدود ساختن مناسبات افغانستان با هندوستان در حدی که مورد نظر پاکستان است.

۲- به رسمیت شناختن خط دیورند به حیث مرز دو کشور.

آقای داودزی به پاسخ این دو خواست پاکستان گفت: خواست پاکستان در مورد مناسبات افغانستان با هندوستان در واقع نشان دهنده آن است که پاکستان میخواهد بر سیاست خارجی افغانستان و مناسبات افغانستان با سایر کشورهای جهان، نوعی قید و قیمومیت ایجاد کند. این خواست، استقلال افغانستان را زیر پرسش میبرد. این چیزی است که به هیچ وجه قابل پذیرش نیست. این برای متحدان غربی افغانستان نیز پذیرفتنی نیست. احتمالاً تنها چینیایی ها به علت رقابت هایی که با هندوستان دارند، از رکود در مناسبات افغانستان- هندوستان به صورت مسکوت خشنود خواهند شد. و اما، حتا روسیه نیز به رغم داشتن مناسبات خاص با چین، گمان نمیروید در این مورد با آن کشور همناوا باشد.

داودزی افزود: در مورد خط دیورند، در خواست پاکستان شیطنت های پنهانی زیادی وجود دارند- هم برای ایجاد تفرقه میان افغان ها و هم برای موجه جلوه دادن موضع آن کشور در صحنه بین المللی. عکس العمل های افغان ها در این مورد اکثراً احساساتی، غیردیپلوماتیک و ناسنجیده اند.

آنانی که به رسمیت شناختن فوری و یک جانبه را مطرح میکنند، به این پرسش منطقی که [پیامد] این به رسمیت شناختن چی خواهد بود و افغانستان در کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت از آن چی چیزی هایی را به دست خواهد آورد و چی چیزهایی را از دست خواهد داد، عاجز اند و نیز هیچ تضمینی ارائه کرده نه میتوانند که پس از آن پاکستان از جنگ اعلام نشده و طرح عمق ستراتیژیک و یا در واقع مبدل ساختن افغانستان به صوبه ششم دست بردارد.

وارد کردن فشار بر حکومت از سوی این یا آن گروه و جناح افغانی، برای به رسمیت شناختن خط دیورند به حیث سرحد با پاکستان، در شرایط و زمان کنونی، عملی است مغایر با منافع و مصالح علیای ملی و دلیل آن بر هر کسیکه از امور سیاسی کمی آگاهی دارد، روشن است. در گام نخست افغانها باید متحدانه از پاکستان بخواهند تا: - پاکستان به جنگ اعلام نشده علیه افغانستان و مداخله در امور داخلی افغانستان پایان دهد و پایه ها و پایگاه های این مداخلات را عملاً و به طور کامل برچیند؛

- پاکستان باید ضمانت عدم تکرار تجاوز علیه افغانستان و مداخله در امور داخلی افغانستان را ارائه نماید؛

- پاکستان باید حق ترانزیت آزاد اموال افغانی را از طریق بندر کراچی تضمین و رعایت نماید؛

- پاکستان باید حق ترانزیت آزاد اموال افغانی به هندوستان را تضمین کند.

با تحقق این مرحله، زمینه اعتماد متقابل فراهم خواهد شد و با رشد همکاری های متقابلاً مفید در عرصه های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، این زمینه گسترش و عمق بیشتر خواهد یافت. به دنبال آن و با عادی شدن اوضاع در افغانستان، طرفین خواهند توانست در فضای مناسب مذاکرات روی قضای بغرنج میراث دوره استعمار را

آغاز کنند. طبعاً این مذاکرات در نهایت زمانی به نتیجه خواهد رسید که هر دو طرف از خود واقعیتی و انعطاف نشان بدهند. شکی وجود ندارد که در مذاکرات آینده برای حل این قضیه گذشت ها و انعطاف های متقابل و داد و ستدها محتمل و حتی اجتناب ناپذیر خواهد بود، ولی طرح انصراف یک جانبه، پیشاپیش افغانستان را خلع سلاح می کند، بدون آن که حد اقل ممکن را از طرف دیگر به دست آورده باشد. حتا طرح به رسمیت شناختن یک طرفه دیورند توسط افغانستان از سوی این و یا آن گروه افغانی، امید پاکستان را برای منشعب کردن افغان ها و انداختن آن ها بر سر و گردن همدیگر روی این قضیه، افزایش می دهد.

پس از نظر منافع افغانستان این موضع به صورت کامل میتواند منطقی و بر حق باشد که مقامات رسمی افغانستان به جای نی گفتن برهنه و غیر دیپلماتیک، آغاز مذاکرات برای حل مسأله دیورند را منوط به قطع کامل و عملی جنگ اعلام ناشده و ترک عملی سیاست «عمق ستراتیژیک» پاکستان در قبال افغانستان بسازند. افغانستان در این ارتباط میتواند و باید به پاکستان و جامعه ی بین المللی یک نقشه ی راه پیشنهاد کند. نقطه ی آغاز این نقشه راه باید قطع هرگونه کومک- به شمول آموزش، تسلیح، تجهیز و دادن پناهگاه- به شورشیان و قطع صدور شورشگری به افغانستان و یا در واقع انجام عملی تعهدات رسماً اعلام شده ی پاکستان در برابر جامعه ی جهانی باشد و مرحله نهایی آن همانا مذاکرات میان افغانستان و پاکستان برای حل مسایل پیچیده به میراث مانده از دوره استعمار باشد و نه برعکس آن. رفتن در راه معکوس میتواند نتایج و پیامدهای غیرقابل جبران داشته باشد. حل این مسایل به یک فضای اعتماد متقابل نیاز دارد. همچنان حل این نیست که یک طرف مواضع و خواسته هایش را به طرف دیگر دیکته کند.

خوبی طرح و ارایه یک نقشه ی راه در این است که میتواند منجر به یک اجماع ملی در مورد مساله شود و تلاش پاکستان برای ایجاد تفرقه ی بزرگ در افغانستان در مرحله ی حساس کنونی را ناکام بسازد. به علاوه داشتن چنین نقشه راه این فرصت را فراهم میسازد تا موقف افغانستان در برابر پاکستان از یک پشتیبانی وسیع بین المللی برخوردار شود و نه برعکس آن. خوبی دیگر چنین نقشه ی راه در این است که میتواند جلو فریبکاری و عهدشکنی مجدد و مکرر پاکستان را بگیرد؛ زیرا تا کنون پاکستان هیچ قول و قرار و قرارداد با افغانستان را عملی نه کرده است و در امر مبارزه با تروریسم نیز پاکستان در برابر جامعه جهانی پیوسته فریبکاری نموده که در نتیجه ی آن شهرت یک دولت دروغگو را کسب کرده است. واقعیت این است که آن چه پاکستان به طور روزمره انجام میدهد، تخطی از «قرارداد دیورند» است و در این مورد اسناد و مدارک کافی وجود دارند. «(رک: سایت آسمانی/24 جون، 2016/ مقاله چگونه باید به پاکستان در مورد خط دیورند پاسخ داد؟)

صاحب نظر افغان آقای عبیدی در این رابطه مینویسد: "بسیار ضروری است تا وزارت امور خارجه- و یا هم شاید ریاست جمهوری- گروه های کارشناسان عرصه های مربوطه را توظیف نماید تا جنبه های مختلف مساله ی دیورند را با مراجعه به اسناد و مدارک معتبر و سوابق آن ها مورد مطالعه قرار دهند. در نتیجه ی این مطالعات باید استدلال معتبر حقوقی و اسناد و مدارک برای گزینه های ممکنه و از جمله احتمال مطرح شدن مساله در یک محکمه ی دیصلاح بین المللی، تدارک دیده شود. در این صورت هم میزان حقانیت و عدم حقانیت موضعگیری های گوناگون کنونی و هم نتایج، پیامد ها و تبعات گوناگون به رسمیت شناختن و به رسمیت نه شناختن خط دیورند، روشن خواهد شد." (سایت آسمانی، 3/ 4 /2017، مقاله "چند نکته پیرامون فریبکاریهای دیورندی")

پایان